

۶۳۹۰

X

دوره ششم - سال دوم  
۱۳۸۰-۱۳۸۱

تاریخ چاپ ۱۳۸۰/۱۰/۲۷

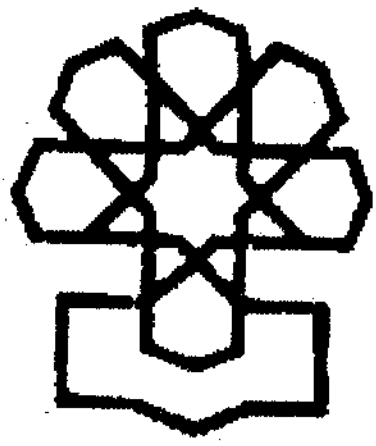


شماره ترتیب چاپ:  
شماره چاپ سابقه:  
شماره دفتر ثبت:

۱۰۵۸  
۴۰۴

گزارش کارشناسی درباره لایحه:

الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون  
رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان



کمیسیون‌های ارجاعی فرهنگی - امنیت ملی و سیاست خارجی - قضایی و حقوقی

۲۰۰

کد موضوعی:

۶۳۹۰

شماره مسلسل:

معاونت پژوهشی  
فروردین ۱۳۸۱

کار: دفتر مطالعات فرهنگی  
دفتر مطالعات حقوقی  
دفتر مطالعات سیاسی

### فهرست مطالب

۲	مقدمه .....
۳	مفهوم تحفظ یا حق شرط .....
۶	مروری بر پیشینه ملی الحاق به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان .....
۹	نمونه‌هایی از دیدگاه‌های مربوط به الحاق مشروط جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مذکور .....
۹	۱. دیدگاه وزارت امور خارجه .....
۱۱	۲. دیدگاه شورای بررسی اسناد بین‌المللی زن وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی .....
۱۲	۳. دیدگاه دکتر حسین مهرپور، رئیس هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی و استاد دانشگاه .....
۱۳	۴. دیدگاه مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری .....
۲۵	۵. دیدگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی .....
۲۸	۶. دیدگاه کمیسیون اصلی لوایح هیئت دولت .....
۳۰	۷. دیدگاه مربوط به الحاق مشروط به «شرط کلی عدم مغایرت با قوانین داخلی» .....
۳۱	نمونه‌هایی از حق شرط‌های کشورهای اسلامی .....
۳۱	۱. الجزایر .....
۳۳	۲. بنگلادش .....
۳۴	۳. مصر .....
۳۶	۴. اندونزی .....
۳۶	۵. عراق .....
۳۸	۶. اردن .....
۳۹	۷. کویت .....
۴۰	۸. لبنان .....
۴۱	۹. لیبی .....
۴۲	۱۰. مالزی .....
۴۴	۱۱. مالدیو .....
۴۴	۱۲. مراکش .....
۴۴	۱۳. پاکستان .....
۴۵	۱۴. عربستان سعودی .....
۴۵	۱۵. تونس .....

تبعیض علیه زنان پدیده‌ای جهانی، فرافرهنگی و فراتاریخی است که عمری به درازای تاریخ بشر دارد و زاده عوامل و مناسبات مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... است. از سال‌ها پیش تلاش‌های بسیاری برای پر کردن شکاف بین حقوق زن و مرد و تأمین حقوق زنان به صورت همه جانبه و رفع تبعیض علیه آنان انجام شده و گام‌های بلندی نیز در این خصوص، به ویژه در قرن بیستم، برداشته شده است؛ اما تا به امروز «مسئله زنان» نه فقط حل نشده، بلکه تأمین حقوق آنان و رفع تبعیض و نابرابری از آنان یکی از عرصه‌های جدی فعالیت‌های اجتماعی و اصلاحات در تمامی کشورهاست.

یکی از این تلاش‌ها، تصویب کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل است که در سال ۱۹۸۱ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون که پیشتر در قالب اعلامیه رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در ۱۹۶۸ به تصویب رسیده بود، دارای یک مقدمه و ۳۰ ماده (۱۶ ماده محتوایی و بقیه اجرایی) است. همان گونه که از عنوان مقدمه و مواد کنوانسیون و نیز مجموعه مفاهیم مندرج در کنوانسیون برمی آید، هدف عمده و اساسی و منظور و موضوع اصلی از تصویب کنوانسیون همانا محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان با ابزارهای مناسب است. ماده یک کنوانسیون، تبعیض را این گونه تعریف کرده است: «هرگونه تمایز، استثنا (محرومیت) یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن، خدشه دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرف نظر از وضعیت تأهل ایشان و براساس تساوی میان زنان و مردان».

به منظور نظارت بر اجرا و بررسی گزارش‌ها و پیشرفت‌های حاصل در اجرای ماده ۱۷ کنوانسیون، کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته رفع تبعیض علیه زنان» تشکیل شده است. این کمیته بیست و ششمین اجلاس خود را تاکنون پشت سر گذاشته است. براساس ماده ۱۸ دولت‌های عضو موظفند یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون برای آن دولت و دست کم هر ۴ سال یک بار و نیز هر زمان که کمیته درخواست کند گزارش خود را ارائه دهند. این گزارش‌ها

می‌تواند در بردارنده عوامل و مشکلاتی که بر میزان اجرای تعهدات تحت این کنوانسیون اثر می‌گذارد، باشد.

بر اساس آخرین اطلاعات، تا ۱۰ می ۲۰۰۱ (اواخر خرداد ماه ۱۳۸۰) از ۱۸۹ کشور جهان، ۱۶۸ کشور به این کنوانسیون ملحق شده و ۹۷ کشور آن را امضا کرده‌اند. از میان ۵۶ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی نیز ۴۴ کشور به این کنوانسیون پیوسته‌اند و به عبارت دیگر فقط ۱۲ کشور عضو این سازمان هنوز موضعی در این خصوص اتخاذ نکرده‌اند.

### مفهوم تحفظ یا حق شرط<sup>۱</sup>

حق اعمال شرط بر این کنوانسیون مطابق ماده ۲۸ آن شناسایی شده است. بر این اساس «دبیر کل ملل متحد موظف است پس از دریافت متن تحفظات دولت‌ها به هنگام تصویب یا الحاق، آن‌ها را در اختیار کلیه دول عضو قرار دهد». از سوی دیگر، طبق بند ۲ این ماده «تحفظاتی که با هدف و منظور این کنوانسیون سازگار نباشد، پذیرفته نخواهد شد». مطابق ماده ۱۸ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات نیز دولت‌ها موظفند از هر عملی که مغایر با هدف و موضوع معاهده باشد بپرهیزند.

به طور کلی، علت اصلی حق شرط و به رسمیت شناخته شدن آن نظام در کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات که معاهده معاهدات نیز نامیده می‌شود، آن است که کشورها دامنه تعهدات خود را در اجرای برخی اصول کنوانسیون محدود سازند. این امر به معاهدات بین‌المللی نوعی حیات و پویایی می‌بخشد و عامل مؤثری در افزایش تعداد طرفین معاهدات و موجب عدم شمول یا تعدیل آثار قانونی بعضی از مفاد معاهده در مورد آن کشور می‌شود. در واقع، پذیرش این نظام منعطف - به جای قبول بالاتفاق - موجب تسهیل الحاق و عضویت

#### ۱. Reservation

- حق شرط عبارت است از این که یک دولت طرف عقد در معاهدات دو یا چند جانبه در زمان امضا، تصویب یا عضویت در معاهده وضعی را اعلام کند که به وسیله آن قبول بعضی از مقررات عهدنامه کلاً یا بعضاً محدود گردد. ماده ۱۹ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات شرایط تحدید تعهد (حق شرط) را به شرح زیر بیان کرده است

- ۱ معاهده تحدید تعهد را ممنوع نکرده باشد.
- ۲ معاهده تمدید تعهد را فقط در موارد خاص نپذیرفته باشد، یعنی کلاً تحدید تعهد را پذیرفته باشد
- ۳ وقتی که تحدید تعهد با هدف و منظور معاهده مغایرت نداشته باشد

بیشتر کشورها به ویژه در کنوانسیون‌های حقوق بشری شده است.

بسیاری از کشورها حتی کشورهای غربی شروطی را به این کنوانسیون وارد کرده‌اند. این شروط بر قسمت‌های مختلفی از کنوانسیون وارد شده و در بسیاری از موارد مربوط به تعارض مفاد کنوانسیون با قوانین اساسی، مذهبی یا برخی سنت‌های خاص جوامع و نیز حق حاکمیت دولت‌ها هستند.

گفتنی است که امروزه مسئله تحفظات و اعلامیه‌های تفسیری (که کشورها غالباً هنگام امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق خود نسبت به کنوانسیون اعلامیه‌ای صادر می‌کنند و در آن درک و برداشت خود را نسبت به بعضی موضوعات معاهده که از نظر آن‌ها مهم است، بیان می‌دارند یا ماده خاصی را تفسیر می‌کنند. این اعلامیه‌ها یک عمل یک جانبه و بلااثر و معمولاً دارای خصیصه سیاسی هستند) هنوز کاملاً شفاف و مشخص نیست و بررسی آن در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل قرار دارد و قرار است کمیته ششم مجمع عمومی (کمیته حقوقی) در خصوص آن اعلام نظر کند. اما با توجه به رویه عملی و رجوع به سابقه موضوع در جامعه بین‌المللی، آشکار می‌شود که تصریح بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون به جای آن‌که دولت‌ها را به احتیاط بیشتر در هنگام قرار دادن شرط وادار کند، کنوانسیون را مورد بیشترین حق شرط‌ها در مقایسه با کنوانسیون‌های مشابه خود قرار داده است.

نکته شایان تأمل آن است که تاکنون هیچ مرجع صالحی برای تشخیص مطابقت یا عدم مطابقت شرط یا شروط با مقصود و هدف معاهده تعیین نشده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود یگانه مرجع صالح برای مطابقت یا عدم مطابقت شروط با هدف و موضوع معاهده را «دولت‌ها» می‌داند. براساس آن نظریه، هر دولتی خود می‌تواند در این خصوص تصمیم بگیرد و دولت اعمال‌کننده شرط را عضو معاهده دانسته یا خارج از معاهده تلقی کند. همچنین می‌تواند از دبیرکل سازمان ملل بخواهد که شروط و اعتراض‌های مربوط به شرط‌ها را بدون اتخاذ هرگونه موضعی بپذیرد و بررسی آثار و تبعات حقوقی آن‌ها را به دولت‌های عضو واگذار کند. در رابطه با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، به غیر از دیوان بین‌المللی دادگستری، یکی از مراجعی که می‌تواند در مورد ضابطه مطابقت شرط با موضوع و هدف معاهده اظهار نظر کند، کمیته رفع تبعیض علیه زنان است. این کمیته

در گزارش‌های متعدد خود همواره از کثرت و گستردگی شمار شرط‌ها در خصوص ماده‌های ۲ و ۳ و ۱۶ کنوانسیون و همچنین شروط عام و کلی ابراز نگرانی کرده و آن شروط را مغایر با موضوع و هدف معاهده دانسته است (اگر چه یکی از ملاک‌های عدم مطابقت شرط با موضوع و هدف معاهده عام و کلی بودن آن مطرح شده است، اما این ملاک نمی‌تواند کافی باشد). گفتنی است هر چند که نقطه‌نظرات کمیته به عنوان ارگان ناظر بر اجرای کنوانسیون دارای اهمیت است اما این نظریات صرفاً جنبه ارشادی و توصیه‌ای داشته و جو حاکم بر جلسات آن جو تبادل نظر و اطلاعات و پیشنهادها و گفت و گوهای سازنده است. بعضاً و به ندرت ارائه تصمیمات کمیته به شورای اقتصادی - اجتماعی (اکوسوک) و از آن شورا به مجمع عمومی ممکن است منجر به صدور قطعنامه علیه کشور متخلف شود (هر چند که تاکنون چنین اقدامی صورت پذیرفته است) و با توجه به ترکیب اعضای آن، که نماینده نظام‌های شناخته شده حقوقی دنیا نیز هستند، این نظریات می‌تواند کارکردی تفسیری داشته و توسط کشورهای گوناگون به مثابه الگو و راهنمایی مورد استفاده قرار گیرد.

اعتراض سایر کشورهای عضو کنوانسیون به شرط یا شروط دول دیگر و پافشاری آن‌ها نسبت به استرداد این شرط‌ها نیز امری رایج و جا افتاده در نظام بین‌الملل است و بیش‌تر حکایت از عدم درک و استنباط آن کشورها از نظام‌های حقوقی و عقیدتی متفاوت با نظام حقوقی و عقیدتی آن‌ها دارد. آنچه که حایز اهمیت است آن است که کشورهای معترض همچنان بر ادامه رابطه قراردادی خود با کشورهای شرط‌گذار براساس سایر مفاد کنوانسیون، تصریح می‌کنند؛ چرا که برقراری این ارتباط تعارضی با منافع ملی این کشورها نداشته و حتی بر جهانشمولی کنوانسیون‌ها کمک می‌کند.

امروزه این موضوع یک امر مسلم است که موازین بین‌المللی حقوق بشر زمانی جهانشمول خواهند بود که با توجه بیش‌تر به تنوع فرهنگ‌ها، مذاهب و سیاست‌جوامع، از تجویز نسخه‌ای کلی و عمومی برای همه کشورها و یکسان‌سازی فرهنگی و... آن‌ها پرهیز شود.

## مروری بر پیشینه ملی الحاق به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

۱. به موازات تصویب کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) و حتی پیش از آن، موضوع الحاق یا عدم الحاق ایران به این کنوانسیون در سطح ملی نظرها را به خود جلب کرد. در سال ۱۳۵۳ اداره حقوقی وزارت دادگستری وقت ضمن مطالعه و بررسی متن کنوانسیون، در مواردی مبنای مفاد کنوانسیون با برخی قوانین داخلی را به دفتر حقوقی وزارت امور خارجه اعلام کرد، از جمله: کسب، تغییر یا حفظ تابعیت زنان، آزادی مطلق زنان در انتخاب شغل و حرفه، قیمومت، مسافرت زنان به خارج از کشور، ارث زن و مرد، انتخاب اقامتگاه، حق انتخاب نام خانوادگی، اطفال ناشی از رابطه نامشروع و ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی (سابق).

۲. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوایل استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران به صورت پراکنده و غیررسمی، موضوع الحاق یا عدم الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون مورد توجه قرار گرفت اما عملاً آغاز جنگ تحمیلی تقریباً موضوع مسکوت ماند. در شهریور ماه ۱۳۷۴، وزارت امور خارجه لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون فوق‌الذکر را تقدیم دولت وقت کرد. در این لایحه، ضمن برشماری دلایل توجیهی، موارد مغایرت در ۴ بخش احصا گردیدند:

۱. موارد مغایرت قوانین داخلی با مفاد کنوانسیون (مجموعاً ۱۲ مورد)

۲. مواردی که از لحاظ شرعی و قانونی امکان اصلاح یا فسخ قوانین مغایر وجود دارد (۶ مورد).

۳. مواردی که با تفسیر قوانین یا با استناد به قوانین جدید، رفع ابهام می‌گردد (۱ مورد)

۴. مواردی که مغایرت اساسی با موازین شرعی و مصالح ملی دارند و تدوین نحوه مناسب اعلام موضع یا تحفظ (۵ مورد).

موضوع پیشنهادی وزارت امور خارجه (که در زمان دولت پیشین مطرح و ضمن تصویب کلیات آن مقرر می‌شود که نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی در این خصوص اخذ شود) و به ترتیب در تاریخ‌های ۱۳۷۴/۴/۸ و ۱۳۷۸/۱۱/۲۷ و ۱۳۸۰/۸/۲۳ در کمیسیون لوایح

هیئت دولت طرح شده است).

۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی در چهارصد و سیزدهمین جلسه، مخالفت خود را با الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون یاد شده اعلام کرد (۱۳۷۶/۱۱/۱۴).

۴. بعد از وصول نظر مخالف شورای عالی انقلاب فرهنگی، توسط دفتر کمیسیون لوایح درخصوص ادامه یا عدم ادامه، جریان رسیدگی پیشنهاد مزبور از وزارت امور خارجه استعلام شد.

۵. مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری طی نامه‌ای در ۱۳۷۸/۳/۹ با عنوان ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که موضع مخالفت مطلق جمهوری اسلامی ایران با پیوستن به کنوانسیون مذکور با توجه به جریان فراگیری این کنوانسیون و تبعات آن، نیازمند تجدیدنظر است تا باب بحث و گفت و گو در این مورد از نظر مجامع جهانی بسته نباشد و لازم است موضوع مجدداً در دستور کار هیئت دولت و این بار در سطح تخصصی و کارشناسی و نه در سطح افکار عمومی قرار گیرد.

۶. ریاست محترم جمهوری نیز در رابطه با پیشنهاد مرکز امور مشارکت زنان خطاب به معاون اول ریاست جمهوری، دستور بررسی را صادر کرده و پیشنهاد را قابل تأمل دانسته و اعلام کردند که «حضور ما در این کنوانسیون‌ها هم با توجه به اهداف سیاسی که پشت قضیه است و هم به خاطر بعضی آشفتگی‌ها و ناهماهنگی‌ها که در داخل در این موارد داریم، در هر صورت بررسی شود».

۷. پیشنهاد مذکور براساس دستور معاون اول ریاست جمهوری از حالت عادی خارج و به صورت فوری تغییر وضعیت یافت (۱۳۷۸/۸/۱۱).

۸. معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری طی نامه مورخ ۱۳۷۸/۵/۴ ضمن اشاره به نقطه نظرات سابق خود، تصمیم‌گیری هیئت محترم وزیران نسبت به موضوع را منوط به اصلاح مصوبه چهارصد و سیزدهمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی دانسته است.

۹. در تاریخ ۱۳۷۸/۷/۴ ریاست مرکز امور مشارکت زنان طی نامه‌ای به معاون اول رئیس جمهوری خواستار تشکیل جلسه‌ای برای بررسی موضوع و اتخاذ مواضع و راهکارهای

مناسب می‌گردد (با حضور شخص معاون اول رئیس جمهور و افراد پیشنهادی).

۱۰. معاون اول رئیس جمهوری در پاسخ، بهترین راه بررسی همه جانبه موضوع را ارجاع به کمیسیون لوایح هیئت دولت دانسته و متذکر شدند که چنانچه نظر کمیسیون معلوم شد و موضوع در هیئت دولت مطرح شد و دولت به یک جمع‌بندی مناسب رسید، چنانچه نیاز به اصلاح مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد جناب آقای رئیس جمهور موضوع را در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار خواهند داد. معاون اول رئیس جمهوری همچنین در این نامه کمیسیون لوایح را برای طرح موضوع با اولویت، پیرو نامه قبلی و تصمیم نهایی و ختم موضوع ملزم کردند.

۱۱. موضوع مزبور در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۷ کمیسیون اصلی لوایح مطرح و برای بررسی کارشناسی بیش‌تر به کمیسیون فرعی ارجاع شد.

۱۲. پیشنهاد مذکور با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در پنج جلسه به طور تفصیلی و گسترده در کمیسیون فرعی لوایح (در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۷۹) مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مقرر شد: «مطالب مهم فنی و کارشناسی مطروحه در این جلسات درخصوص ارزیابی از کنوانسیون به کمیسیون اصلی ارائه شود تا کمیسیون مذکور نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند». همچنین، دفتر کمیسیون به پیوست آن مطالب، مغایرت‌های مواد کنوانسیون پیشگفته با قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران در حدود تشخیص کارشناسی و نیز برخی از دیدگاه‌های فقهی مطروحه درخصوص کنوانسیون مزبور را به کمیسیون اصلی لوایح ارائه داده است.

۱۳. در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۲۸ لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون یاد شده به تصویب هیئت وزیران رسید که به موجب آن «به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان منوط به برقراری تحفظات و شروط زیر ملحق گردد و اسناد مربوط را تودیع و تسلیم نماید:

الف) جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون مذکور را در مواردی که با شرع مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد قابل اجرا می‌داند.

ب) جمهوری اسلامی ایران خود را موظف به اجرای بند ۱ ماده ۲۹ این کنوانسیون

درخصوص حل و فصل اختلافات از طریق ارجاع به داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌داند.»

۱۴. در تاریخ ۱۶/۱۰/۱۳۸۰ این لایحه برای طی تشریفات قانونی تقدیم مجلس شورای اسلامی شد.

۱۵. در نهایت، موضوع در ۲۳/۱۱/۱۳۸۰ در کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در شور اول مطرح و با اکثریت آراء در آن کمیسیون به تصویب رسید. پیش‌بینی می‌شود که پس از اتمام بحث لایحه بودجه ۱۳۸۱، این موضوع در دستور کار مجلس قرار گیرد.

### نمونه‌هایی از دیدگاه‌های مربوط به الحاق مشروط جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مذکور

موضوع الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، سال‌های متمادی محور نقد و ایضاح و مخالفت و موافقت بوده و در برابر خود به یک صف‌بندی سیاسی بسیار متناقض دامن زده است. به طور کلی، در این صف‌بندی‌ها طیف‌های گوناگون فکری و سیاسی را می‌توان مشاهده کرد که از مخالفان جدی و سرسخت الحاق تا موافقان الحاق به صورت مطلق و بی‌قید و شرط را در برمی‌گیرد. پرداختن به تمامی این دیدگاه‌ها مجال دیگری می‌طلبد. هدف ما در این مقال، صرفاً طرح نظریات و دیدگاه‌های مربوط به الحاق مشروط جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون (مشروط کلی یا مشروط موردی و جزئی) پیشگفته است:

#### ۱. دیدگاه وزارت امور خارجه

این وزارت‌خانه در شهریور ماه ۱۳۷۴ لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون فوق‌الذکر را تقدیم دولت وقت کرد. در این لایحه ضمن برشماری دلایل توجیهی، موارد مغایرت در ۴ بخش احصا گردیده‌اند:

۱. تعیین موارد مغایرت قوانین داخلی با مفاد کنوانسیون (مجموعاً ۱۲ مورد)

۲. تعیین مواردی که با تفسیر قوانین و یا استناد به قوانین جدید رفع ابهام می‌شود؛ مانند: شرایط قضاات.

۳. تعیین مواردی که از لحاظ شرعی و قانونی امکان اصلاح یا فسخ قوانین مغایر با کنوانسیون وجود دارد، برای مثال:

- تابعیت زنان پس از ازدواج،
- تابعیت فرزندان زنان ایرانی،
- آزادی تردد و اقامت زنان،
- حق طلاق و ریاست خانواده،
- حضانت و قیمومت،
- ازدواج کودکان.

۴. تعیین مواردی که مغایرت اساسی با موازین شرعی یا مصالح ملی دارند و تدوین نحوه مناسب اعلام موضع یا تحفظ (صدور اعلامیه، ارائه تحفظ و...)، برای مثال:

- فسخ قوانین مغایر،
- اعزام دانشجوی،

- مساوات در قبال قانون (پیشنهاد شده است که در این زمینه‌ها در اعلامیه‌ای ضمن تأکید بر اهمیت و ارزش آن در قوانین اسلامی و تفاهم حقوقی و قضائی اسلامی، به موارد اختلاف اشاره و برداشت ما از این بندها به تفصیل بیان شود)،

- ازدواج زن مسلمان با غیرمسلمان،

- حکمیت دیوان بین‌المللی دادگستری.

در این لایحه، یکی از پیشنهادهای ارائه شده آن است که اعلامیه‌ای مبنی بر این که «اقدامات مقتضی از جمله وضع، تعدیل یا فسخ در مواردی که با شرع مقدس اسلام مغایرت داشته باشد میسر خواهد بود»، در تفسیر بندهای «و» و «ز» ماده ۲ داده شود. همچنین، تحفظ پیشنهادی در خصوص بندهای ۴ و ۵ ماده ۲ بدین ترتیب است: «جمهوری اسلامی ایران ضمن تأکید بر دستورات و قوانین اسلامی مبنی بر رعایت و ارتقای حقوق زن، اعلام می‌دارد که اقدامات مقتضی جهت بررسی و تعدیل قوانین داخلی تا جایی که با شرع مقدس اسلام

مغایرت نداشته باشد، آغاز شده است. بدیهی است که تا زمان لازم الاجرا شدن قوانین تعدیل شده، قوانین موجود مجری است». این وزارتخانه در نامه دیگری در تاریخ مهر ۱۳۷۵ پیشنهاد تحفظاتی را در رابطه با مفاد مواد ۲، ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۶ و ۲۹ ارائه کرده است که به ترتیب شامل موارد «لغو کلیه مقررات کیفری تبعیض آمیز»، «تابعیت»، «تشویق آموزش مختلط در مراکز آموزشی»، «حقوق یکسان در تردد افراد و آزادی انتخاب مسکن و محل زندگی»، «حقوق خانوادگی» و «ارجاع اختلافات به داوری یا دیوان بین المللی دادگستری» می شود. به عنوان مثال، تحفظ پیشنهادی در خصوص بند «c» ماده ۱۰ بدین ترتیب است: «جمهوری اسلامی ایران تشویق به آموزش مختلط در مدارس را مفید تشخیص نمی دهد و خود را ملزم به اجرای آن نمی داند. روش های دیگری برای تضمین برابری سطوح آموزشی دختران و پسران که زبان های جانبی آموزش مختلط را در بر نداشته باشد در جمهوری اسلامی ایران در حال اجرا است».

## ۲. دیدگاه شورای بررسی اسناد بین المللی زن وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

پیشنهاد این شورا تفسیری است که در خصوص ماده ۱ کنوانسیون در رابطه با تعریف ترکیب «تبعیض علیه زنان» بیان شده است:

الف) دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به اختلافات طبیعی زن و مرد و به تبع آن اختلاف در مسئولیت های اجتماعی آن دو، تفاوت در حقوق را به معنای تبعیض نمی داند.

ب) ضروری است در هر نظامی مجموعه حقوق و وظایف با یکدیگر سنجیده و ارزیابی شوند.

ج) این تعریف از تبعیض به تمامی مواد کنوانسیون تسری دارد.

### ۳. دیدگاه دکتر حسین مهرپور، رئیس هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی و استاد دانشگاه<sup>۱</sup>

دکتر مهرپور معتقد است که مقررات جمهوری اسلامی ایران را که با مقررات کنوانسیون در تغایر است می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

#### الف) قوانین و مقررات موضوعه حکومتی

این مقررات هر چند مغایر موازین اسلامی نیست ولی الزاماً بر مبنای احکام اسلامی نیز تصویب نشده است. مثلاً مقررات مربوط به تابعیت؛ درخصوص این گونه قوانین پس از بررسی کارشناسانه اگر واقعاً تشخیص داده شد مقررات کنوانسیون مفیدتر و منطبق‌تر با مصلحت جامعه و رعایت حقوق زنان است، می‌توان آن‌ها را اصلاح کرد و مشکلی وجود ندارد.

#### ب) قوانین مبتنی بر احکام انعطاف پذیر شرعی

بسیاری از مقررات و قوانین جاریه کشور، بر مبنای احکام فقهی و فتاوی رایج فقها به عنوان احکام شرعی تنظیم شده است؛ ولی تجدید نظر و اصلاح و تغییر آن‌ها در صورتی که لازم و مصلحت باشد مغایرت و مخالفت با مسلمات شرعی تلقی نمی‌شود؛ بلکه می‌توان نظرات متفاوت فقهای دیگر را نیز منطبق با مقتضیات روزبه دست آورد؛ یا طبع بیان حکم به گونه‌ای است که می‌توان مقطعی بودن و قابلیت انعطاف آن را استنباط کرد. برخی از مسائل مربوط به حضانت، ولایت، قضاوت، طلاق و حتی ارث (منظور مسئله محرومیت زوجه از عرصه و اعیان غیر منقول است نه اصل مقررات ارث که در قرآن کریم تصریح شده است) را ممکن است از این قبیل دانست.

#### ج) قوانین مبتنی بر احکام مسلم شرعی

با قبول این فرض که برخی از احکام فرعی و مقررات اجتماعی اسلام، همیشگی و تغییرناپذیر است و بعضی از مقررات قانونی جمهوری اسلامی ایران نیز مبتنی بر این احکام است، با توجه به اصل ۴ قانون اساسی و اساس مشروعیت حکومت، نمی‌توان آن‌ها را تغییر داد؛ از آن جا که مقررات اجتماعی اسلام نمی‌تواند بدون فلسفه و حکمت قابل فهم برای مردم باشد،

<sup>۱</sup> مقاله کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و موضع جمهوری اسلامی ایران، روزنامه اطلاعات، (۲۸ تا ۳۰ مرداد ۱۳۷۴)

در این خصوص باید دو کار انجام گیرد: اولاً، قوانینی را که مشمول این بند هستند واقعاً مبتنی بر احکام قطعی و ثابت اسلامی هستند، که تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آن‌ها را تغییر داد. مشخص و تعیین کرد. ثانیاً از آن جا که معتقدیم اسلام، احکام و مقررات غیر عادلانه و مبتنی بر تبعیض ناروا ندارد، باید مقرراتی از این قبیل را توضیح داده و تشریح و توجیه کرد و با بیانی روشن و قابل فهم، عملی بودن، عادلانه بودن و مفید بودن آن‌ها را تبیین کرد.

دکتر مهرپور در این مقاله آورده‌اند که اگر دولت جمهوری اسلامی ایران بخواهد به کنوانسیون ملحق شود ناگزیر باید دقیقاً مواد کنوانسیون و مقررات آن را بررسی و با قوانین و مقررات جاری خود مقایسه کند. آنچه را که به لحاظ مصالح جامعه یا مبانی شرعی و اسلامی نمی‌تواند تغییر دهد مشخص کند و آن گاه، اولاً، نسبت به موادی از کنوانسیون که در تعارض با این دسته از قوانین و مقررات هستند اعلام شرط کند و بر سیاق دولت مصر استدلال کرده و توجیه مستدل و منطقی برای این حق شرط خود ارائه کند، از جمله در خصوص مواد ۲ و ۹ و برخی از بندهای ماده ۱۶ و ثانیاً، نسبت به بند ۱ ماده ۲۹ در رابطه با ارجاع اختلاف در تفسیر مواد کنوانسیون به دیوان بین‌المللی دادگستری، اعلام حق شرط شود. و، ثالثاً، در رابطه با برخی از مقررات قانونی که در معرض مغایرت آشکار با هدف و منظور کنوانسیون قرار دارند و توجیه قابل درکی برای دیگران نمی‌توان از آن داشت، و در عین حال یافتن راه حل فقهی جدید یا تشخیص مصلحت بر تغییر آن‌ها وجود دارد، بر سیاق بعضی از موارد حق شرط ایرلند اعلام شود. این موارد در دست بررسی و اصلاح است و تا وقتی که این اصلاح صورت نگرفته است دولت این حق را برای خود محفوظ نگه می‌دارد که قانون موجود خویش را اجرا کند.

#### ۴. دیدگاه مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری

این مرکز، در گزارشی تحت عنوان «مقایسه اجمالی کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان با نظام حقوقی ایران» که در اردیبهشت ۱۳۷۹ تهیه شده است، به تشریح دیدگاه خود پرداخته و اشاره دارد: علی‌رغم تمام تلاش‌هایی که از سوی مخالفان الحاق به کنوانسیون در امر تحقیق، پژوهش و استخراج مواد، مقررات و قوانین مغایر با کنوانسیون صورت گرفته

است، و بعضاً موارد مغایرت را تا ۱۱۴ مورد نیز ذکر کرده‌اند؛ و چاپ و انتشار کتاب دیدگاه‌های فقهی در زمینه کنوانسیون از طرف مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه نه آخرین و بلکه کامل‌ترین نمونه آن فعالیت‌ها است؛ در مجموع، سعی در القای این مسئله داشته‌اند که کلیه این تفاوت‌ها و مغایرت‌ها در مواردی است که از احکام مسلم، ضروری و غیر قابل تغییر شرعی بوده و لذا رأی به مغایرت اساسی مقررات کنوانسیون با شرع و قوانین داخلی داده‌اند. در مقابل، تلاش جدی در خصوص تعیین دقیق قوانین مبتنی بر احکام انعطاف‌پذیر شرعی از قوانین مبتنی بر احکام مسلمة شرعی (محکومات دینی) صورت نگرفته است تا با تفکیک آن موارد و احصای موارد تغییرناپذیر و ثابت، گام‌هایی اساسی در زمینه اصلاح و بازنگری موارد تبعیض‌آمیز و ناعادلانه‌ای که از غیر محکومات محسوب می‌شوند، برداشته شود.

در این گزارش آمده است: هر چند قطعاً پایه‌های فکری این کنوانسیون با پایه‌های فکری، فرهنگی و اعتقادی ما سازگاری ندارد، چرا که محصول فکر بشری است؛ اما به نظر می‌رسد که با جدا کردن حساب اصول ثابت و فروع متغیر و یافتن راه‌حل‌های فقهی جدید در خصوص متغیرات و نیز به خرج ندادن شتاب بیجا، می‌توان به مناسب‌ترین شیوه در قبال این کنوانسیون اتخاذ موضع کرد تا هم اعتبار تعالیم، دستورات و مبانی فرهنگی و اعتقادی نظام اسلامی حفظ شود و هم زنان ما از امتیازات و حقوق مقرر در این کنوانسیون به خوبی بهره‌مند شوند.

در گزارش مذکور، ابتدا به بررسی مختصر و اجمالی مواد کنوانسیون و مقایسه تطبیقی آن با قوانین داخلی پرداخته شده و سپس جدولی که حتی المقدور دربرگیرنده موارد مغایر با کنوانسیون است - در راستای تفکیک اصول ثابت از فروع متغیر - آورده شده است که در این قسمت، به مورد اخیر اشاره می‌شود:

جدول مقایسه اجمالی قوانین و مقررات داخلی ایران با مقررات کنوانسیون

جهت تعیین اصول ثابت و فروع متغیر

ردیف	قوانین و مقررات مغایر با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	قوانین مبتنی بر احکام انعطاف‌پذیر شرعی (غیرمحکمات)	قوانین مبتنی بر احکام مسلمانه شرعی (محکمات دینی)
۱	بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی و ماده ۹۷۸ آن قانون (...) اگر زن ایرانی با مرد خارجی ازدواج بکند... تابعیت شوهر به وی تحمیل می‌گردد) که با بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون مغایرت دارد.		
۲	بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی که طبق آن تحمیل تابعیت ایرانی برای فرزندان منوط به تابعیت ایرانی پدر ایشان است، با بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون مغایرت دارد.		
۳	تبصره ۱ قانون اعزام دانشجویان به خارج از کشور که زنان متأهل فقط در معیت همسر می‌توانند داوطلب اعزام شوند، با بند ۵ ماده ۱۰ کنوانسیون مغایرت دارد.		
۴	تبصره ۵ قانون الحاق پنج تبصره به شرایط انتخاب قضات، (۱۳۷۴) که شغل قضاوت به معنای خاص را برای زنان مجاز ندانسته است، با قسمت (ج) بند ۱ ماده ۱۱ کنوانسیون مغایرت دارد.		
۵	بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه که صدور گذرنامه برای زنان شوهردار را موقوف به اخذ رضایت کتبی از شوهر کرده است، با بند ۴ ماده ۱۵ کنوانسیون مغایرت دارد.		

ادامه جدول مقایسه اجمالی قوانین و مقررات داخلی ایران با مقررات کنوانسیون

جهت تعیین اصول ثابت و فروع متغیر

قوانین مبتنی بر احکام مسلّمه شرعی (محکّمات دینی)	قوانین مبتنی بر احکام انصاف‌پذیر شرعی (غیر محکّمات)	قوانین و مقررات مغایر با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	ردیف
		ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی که زن را مکلف می‌داند در منزلی که شوهر برای او انتخاب کرده است، سکونت نماید، با بند ۴ ماده ۱۵ کنوانسیون مغایرت دارد.	۶
		ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی مبتنی بر این که اگر زن ایرانی مسلمان بخواهد با مرد غیر ایرانی مسلمان ازدواج نماید باید قبلاً از دولت کسب اجازه کند، با بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون مغایرت دارد.	۷
		بر اساس ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است و نیز بر اساس ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد که این دو ماده با بند «ج» ماده ۱۶ کنوانسیون مغایرت دارد.	۸
		مواد ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ قانون مدنی که در صورت طلاق، حضانت فرزندان را تنها تا مدت محدودی بر عهده مادر گذارده است و نیز ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی پدر و جد پدری را در مورد فرزند خود دارای حق ولایت می‌داند که مواد فوق با بند و ماده ۱۶ کنوانسیون مغایرت دارند.	۹

ادامه جدول مقایسه اجمالی قوانین و مقررات داخلی ایران با مقررات کنوانسیون

جهت تعیین اصول ثابت و فروع متغیر

قوانین مبتنی بر احکام مسئله شرعی (محکومات دینی)	قوانین مبتنی بر احکام انصاف‌پذیر شرعی (غیر محکومات)	قوانین و مقررات مغایر با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	ردیف
		تبصره ۱ ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اشاره به این دارد که پدر و جد پدری حق دارند حتی دختر نوزاد نابالغ و صغیره خود را به عقد از دواج مردی درآورند که تنها قید موجود رعایت مصلحت مولی علیه است و کودک پس از رسیدن به سن بلوغ شرعی نیز حق اعلام مخالفت با این امر را ندارد، علاوه بر مغایرت با بند ۲ ماده ۱۶، با قسمت (ب) بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون نیز مغایرت دارد.	۱۰
		اصل ۱۱۵ قانون اساسی که اشاره دارد به این که رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب شود، با ماده ۲ کنوانسیون در تضاد است.	۱۱
		ماده ۳۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مبنی بر این که ارتش فقط می‌تواند برای مشاغل درمانی و بهداشتی زنان را استخدام نماید، همچنین ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی سپاه مصوب ۱۳۷۰ می‌گوید: سپاه برای مشاغلی که مستلزم به کارگیری زنان باشد آنان را استخدام می‌کند و ماده ۱۱۷ قانون مدنی به شوهر اختیار داده است زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. با ماده ۱۱ کنوانسیون مغایرت دارند (البته در ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ که نسخ آن اعلام نشده آمده است که این ممنوعیت باید با تأیید دادگاه باشد).	۱۲

جدول مقایسهٔ اجمالی قوانین و مقررات داخلی ایران با مقررات کنوانسیون

جهت تعیین اصول ثابت و فروع متغیر

قوانین مبتنی بر احکام قوانین مبتنی بر احکام مسئله شرعی (محکومات دینی)	قوانین مبتنی بر احکام انعطاف‌پذیر شرعی (غیرمحکومات)	قوانین و مقررات مغایر با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	ردیف
		ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی اشعار دارد که دختر یا کمره برای ازدواج باید اجازه پدر یا جد پدری خود را بگیرد، با ماده ۱ و ۱۶ کنوانسیون در تضاد است.	۱۳
		طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی مرد برای طلاق نیاز به استدلال و اثبات جهت خاصی ندارد که با مواد ۱ و ۲ و ۱۶ کنوانسیون در تضاد است.	۱۴
		طبق مواد ۱۱۲۱ و ۱۱۲۳ قانون مدنی مرد در هفت مورد (به علت یکی از عیوب هفتگانه زن) می‌تواند نکاح را فسخ کند ولی زن فقط در چهار مورد این حق را دارد که با مواد ۱ و ۲ و ۱۶ کنوانسیون مغایر است.	۱۵
		بر اساس ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی ولایت بر کودک با پدر و جد پدری است و مادر ولایت ندارد و طبق ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی حضانت طفل در مورد پسر تا ۲ سالگی و در مورد دختر تا ۷ سالگی با مادر است و پس از آن حضانت با پدر است که با مواد ۱ و ۲ و ۹ کنوانسیون در تضاد است.	۱۶

ادامه جدول مقایسه اجمالی قوانین و مقررات داخلی ایران با مقررات کنوانسیون

جهت تعیین اصول ثابت و فروع متغیر

قوانین مبتنی بر احکام مصلحه شرعی (محکومات دینی)	قوانین مبتنی بر احکام انصاف‌پذیر شرعی (غیرمحکومات)	قوانین و مقررات مغایر با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	ردیف
		طبق مواد ۸۰۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۶، ۹۰۷ و ۹۲۰ قانون مدنی، زن (اعم از مادر، همسر، دختر و خواهر) نصف مرد (اعم از پدر، شوهر، برادر و پسر) ارث می‌برد که با مواد ۱ و ۲ و ۱۶ کنوانسیون مغایرت دارد.	۱۷
		طبق ماده ۹۴۶ قانون مدنی شوهر از تمام اموال زوجه متوفای خود ارث می‌برد، در حالی که زن فقط از اموال منقول و قیمت ابنیه و اشجار باقیمانده از شوهر خود - نه عین آن‌ها - ارث می‌برد که با مواد ۱ و ۲ و ۱۶ کنوانسیون مغایرت دارد.	۱۸
		طبق مواد ۷۶، ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۷۰، ۱۹۹، ۱۸۹، ۲۳۷، ۷۴ و ۷۵ قانون مجازات اسلامی، زن و مرد از نظر شهادت دادن در محاکم ارزش ناهمسانی دارند که با مواد ۱ و ۲ و ۱۵ کنوانسیون در تعارض است.	۱۹
		بر اساس مواد ۲۰۹ و ۲۵۸ قانون مجازات اسلامی اگر مردی زنی را به قتل برساند در صورتی قصاص می‌شود که اولیای مقتوله نصف دیه مرد را به او بپردازند که این مسئله با ماده ۲ کنوانسیون در تعارض است.	۲۰

ادامه جدول مقایسه اجمالی قوانین و مقررات داخلی ایران با مقررات کنوانسیون

جهت تعیین اصول ثابت و فروع متغیر

قوانین مبتنی بر احکام مسئله شرعی (محکومات دینی)	قوانین مبتنی بر احکام انعطاف‌پذیر شرعی (غیر محکومات)	قوانین و مقررات مغایر با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	ردیف
		طبق مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، دینۀ قتل زن مسلمان خواه عمدی، خواه غیر عمدی نصف دینۀ مرد مسلمان است و نیز دینۀ زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دینۀ کامل برسد در آن صورت دینۀ زن نصف دینۀ مرد است که این امر با مواد ۱ و ۲ و ۱۵ کنوانسیون مغایرت دارد.	۲۱
		تبصره ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات اشاره دارد به این که زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می شوند که این امر با ماده ۵ کنوانسیون و نیز ماده ۱ و ۲ آن در تضاد است.	۲۲
		طبق ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست که با ماده ۱ و ۲ و ۹ کنوانسیون مغایرت دارد.	۲۳
		ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی که اقامتگاه زن شوهردار را همان اقامتگاه شوهر او می داند با بند ۴ ماده ۱۵ کنوانسیون مغایرت دارد.	۲۴

ادامه جدول مقایسه اجمالی قوانین و مقررات داخلی ایران با مقررات کنوانسیون

جهت تعیین اصول ثابت و فروع متغیر

قوانین مبتنی بر احکام مسلمه شرعی (محکومات دینی)	قوانین مبتنی بر احکام انصاف‌پذیر شرعی (غیرمحکومات)	قوانین و مقررات مغایر با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	ردیف
		ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی که اشاره دارد، مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن می‌کنند (و این نحوه دفن امکان فرار زن از محوطه رجم را مشکل‌تر می‌سازد)، با مواد ۱ و ۲ و ۱۵ کنوانسیون مغایرت دارد.	۲۵
		طبق ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات، هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال هر دو را به قتل برساند. با مواد ۱ و ۲ و ۱۵ کنوانسیون مغایر است.	۲۶
		طبق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد که این امر با مواد ۱ و ۲ و ۱۵ کنوانسیون مغایرت دارد.	۲۷

ادامه جدول مقایسه اجمالی قوانین و مقررات داخلی ایران با مقررات کنوانسیون

جهت تعیین اصول ثابت و فروع متغیر

قوانین مبتنی بر احکام مسلمه شرعی (محکومات دینی)	قوانین مبتنی بر احکام انعطاف پذیر شرعی (غیر محکومات)	قوانین و مقررات مغایر با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	ردیف
		<p>براساس ماده ۲۷۳ قانون مجازات اسلامی در قصاص عضو زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می شود مگر این که دیه عضو که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می تواند قصاص کند که نصف دیه آن را به مرد بپردازد که این امر با مواد ۱ و ۲ و ۱۵ کنوانسیون مغایرت دارد.</p>	۲۸
		<p>تشویق به اختلاط در محیط های آموزشی در گروه سنی خاص (مورد اشاره بند «ج» ماده ۱۰ کنوانسیون) مغایر ارزش ها و احکام اسلامی است.</p>	۲۹
		<p>طبق مقررات قانون مدنی تعدد زوجات از خصایص مرد است که این امر با مواد ۱ و ۲ و ۱۶ کنوانسیون مغایرت دارد.</p>	۳۰
		<p>طبق ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است (حق رجوع از خصایص شوهر است) که این امر با مواد ۱ و ۲ و ۱۶ کنوانسیون مغایرت دارد.</p>	۳۱

ادامه جدول مقایسهٔ اجمالی قوانین و مقررات داخلی ایران با مقررات کنوانسیون

جهت تعیین اصول ثابت و فروع متغیر

قوانین مبتنی بر احکام مسئله شرعی (محکومات دینی)	قوانین مبتنی بر احکام انصاف‌پذیر شرعی (غیرمحکومات)	قوانین و مقررات مغایر با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	ردیف
		طبق ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زن که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگری اختیار کند که با مواد ۱ و ۲ و ۱۶ کنوانسیون مغایرت دارد.	۳۲
		ماده ۱۰۵۸ قانون مدنی اشاره دارد که زن هر شخصی که به ۹ طلاق که ۶ تای آن عدی است مطلقه شده باشد برای آن شخص حرام مزید می‌شود همچنین طبق ماده ۱۰۵۷ قانون مدنی زنی که ۳ مرتبه متوالی زوجهٔ یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام است مگر این‌که به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری (محلل) درآمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطهٔ طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد که با مواد ۱ و ۲ و ۱۶ کنوانسیون مغایرت دارند.	۳۳
		مغایرت بند ۲ ماده ۱۶ کنوانسیون که از دواج کودک زیر ۱۸ سال را غیر قانونی اعلام کرده است با مقرراتی که از دواج افراد کم‌تر از ۱۸ سال را تجویز کرده است (۹ سال تمام قمری برای دختر و ۱۵ سال قمری برای پسر).	۳۴

ادامه جدول مقایسه اجمالی قوانین و مقررات داخلی ایران با مقررات کنوانسیون

جهت تعیین اصول ثابت و فروع متغیر

قوانین مبتنی بر احکام مسئله شرعی (محکومات دینی)	قوانین مبتنی بر احکام انصاف‌پذیر شرعی (غیر محکومات)	قوانین و مقررات مغایر با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	ردیف
		جساز نبودن ازدواج با محارم طبق مواد ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸ و ۱۰۴۹ قانون مدنی که با ماده ۱۶ کنوانسیون در تعارض است. (توضیح آن‌که ازدواج با محارم بر هر دو جنس حرام است و در آن تبعیض نیست) و به نظر نمی‌رسد که در هیچ ملتی این مسئله مطرح باشد.	۳۵
		تفاوت بین حکم نشوز زن و مرد طبق احکام و مقررات که با ماده ۱ و ۱۶ بند «ج» مغایرت دارد.	۳۶
		عمومیت بند «ج» ماده ۱۳ کنوانسیون در زمینه حق شرکت در فعالیت‌های تفریحی، رشته‌های مختلف ورزشی و کلیه زمینه‌های فرهنگی در صورت عدم رعایت اصل پوشش و عفت زنان از نظر شرعی اشکال دارد.	۳۷
		طبق ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی، در عده وفات زن حق نفقه ندارد که با مقررات ماده ۱۶ کنوانسیون در تعارض است.	۳۸
		و.....	۳۹

## ۵. دیدگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی<sup>۱</sup>

الف) این مرکز معتقد است که با بررسی حق شرط و شروطی که دولت‌های اسلامی برای الحاق به کنوانسیون در نظر گرفته‌اند می‌توان به نحو زیر عمل کرد:

۱. مجلس شورای اسلامی می‌تواند ضمن ماده واحده برای تصویب کنوانسیون «به‌طور کلی» بیان کند که تعهدات این کنوانسیون تا حدودی که با موازین و دستورات اسلامی تعارض نداشته باشد، قابل اجراست. البته این نوع شرط، بسیاری از مواد کنوانسیون را معطل گذاشته و جامعه بین‌المللی از پذیرش چنین شرطی در نهایت خودداری خواهد کرد. به علاوه این که این شرط با منظور و مقصود معاهده تعارض دارد که منطبق حقوقی حکم می‌کند اصولاً شرط باطل باشد.

۲. مجلس می‌تواند مورد به مورد مواد کنوانسیون را که با قوانین ایران تعارض دارد مورد شرط قرار دهد و اعلام کند، «مثلاً مواد ۷ و ۱۳ قابل اجرا در حقوق ایران نیست». در این خصوص، مشکل به نحوی بروز خواهد کرد که بسیاری از مواد اصلی کنوانسیون باید مورد شرط قرار گرفته و در نهایت همان سرنوشتی برای کنوانسیون پیش خواهد آمد که در مورد «شرط به‌طور کلی» بیان شد. نتیجه هر دو این نوع شروط، اولاً، بی‌اثر کردن کنوانسیون است. ثانیاً، عدم توجه به حقوق زن و جلوگیری از تکامل آن را به دنبال خواهد داشت. به علاوه این که ممکن است این شروط از طرف جامعه جهانی پذیرفته نشود یا رد شود.

۳. بهترین نوع حق شرط آن است که به شکلی باشد که: اولاً، تنها چند مورد که اصولاً در حقوق ایران قابل تغییر نیست در اعلامیه یا قانونی که حق شرط را بیان می‌کند ذکر شود. و ثانیاً، بقیه موارد بدین نحو بیان شود که دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن این که تلاش خود را در تطبیق حقوق داخلی با کنوانسیون خواهد کرد تا زمان تغییر قوانین یا تصویب قوانین مناسب نسبت به بقیه مفاد کنوانسیون تا جایی تعهد دارد که با موازین حقوق ایران در تعارض نباشد. نتیجه این شرط آن خواهد بود که فرصتی در اختیار جمهوری اسلامی ایران برای اصلاح قوانین قرار خواهد گرفت و، از لحاظ سیاسی در سطح بین‌الملل برای ایران منافع بسیاری دارد. در نهایت این که تکامل تدریجی حقوق زن در ایران توسط مجلس

۱. یک ارزیابی فشرده از کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، معاونت پژوهشی، دفتر امور زنان، تیر ۱۳۷۶.

پیگیری خواهد شد و کنوانسیون نقش تکمیلی خود را برای جامعه زنان ایفا خواهد کرد.  
 در این راستاست که نهادها، ارگان‌ها و مجلس می‌تواند قوانین مختلف را بررسی و برای  
 اصلاح تغییر اقدام کنند:

### جدول تعارضات کنوانسیون و حقوق جمهوری اسلامی ایران

ردیف	مواد کنوانسیون	حقوق جمهوری اسلامی ایران
۱	ماده ۷ بند «الف» (حق انتخاب شدن زن در تمام ارگان‌ها)	در قوانین ایران زن نمی‌تواند در سمت رهبری، رئیس جمهوری و قضاوت قرار گیرد و نیز به عنوان نظامی در نیروهای مسلح استخدام نمی‌گردد.
۲	ماده ۹ بند ۱ (ممنوعیت تغییر تابعیت زن به واسطه ازدواج یا فرد خارجی یا تغییر تابعیت به طور خود به خود)	طبق بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، در صورت ازدواج زن خارجی با شوهر ایرانی، زن تابعیت ایرانی را کسب خواهد کرد و در صورت ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی قانونی دولت متبوع مرد وضعیت تابعیت را مشخص خواهد کرد.
۳	ماده ۹ بند ۲ (تابعیت فرزندان در رابطه با پدر و مادر به طور مساوی)	طبق ماده ۹۷۶ قانون مدنی، تحصیل تابعیت ایرانی برای فرزندان منوط به تابعیت پدر ایشان است.
۴	ماده ۱۰ (حقوق مساوی زنان با مردان در زمینه آموزش و پرورش)	طبق تبصره ۱ قانون اعزام دانشجویان به خارج، زنان در صورتی که لیسانس یا بالاتر باشند و ازدواج کرده باشند در معیت همسرشان می‌توانند جهت ادامه تحصیل به خارج اعزام شوند.
۵	ماده ۱۳ بند «الف» (حق استفاده از مزایای خانوادگی)	طبق حقوق ایران، زن نصف مرد ارث می‌برد.
۶	ماده ۱۵ بند ۲ (رفتار یکسان بین زن و مرد در مراحل دادرسی)	طبق حقوق ایران، دیه زن نصف مرد است و گاهی شهادت دو زن به جای یک مرد پذیرفته می‌شود.
۷	ماده ۱۵ بند ۴ (حقوق یکسان در انتخاب مسکن و اقامتگاه و تردد)	طبق ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی، حق انتخاب مسکن برای شوهر است و بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه، صدور گذرنامه برای زنان شوهر را موکول به اخذ رضایت کتبی شوهر کرده است.

ادامه جدول تعارضات کنوانسیون و حقوق جمهوری اسلامی ایران

ردیف	مواد کنوانسیون	حقوق جمهوری اسلامی ایران
۸	ماده ۱۶ بند «الف» (حق یکسان با مردان برای ورود به ازدواج)	ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی، ممنوعیت ازدواج مسلمه با غیر مسلم را اعلام نموده است. طبق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، محدودیت ازدواج برای زن ایرانی مسلمان با مرد غیر ایرانی مسلمان، وجود دارد که منوط به کسب اجازه از دولت شده است.
۹	ماده ۱۶ بند «ج» (حقوق و مسئولیت‌های یکسان در طی دوران زناشویی و به هنگام جدایی)	طبق ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است، طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، مرد می‌تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق دهد.
۱۰	ماده ۱۶ بند «و» (حقوق و مسئولیت‌های یکسان با مرد در مورد حضانت و سرپرستی فرزند)	طبق ماده ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ قانون مدنی، اصولاً حضانت بر عهده پدر است و ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی پدر و جد پدری را در مورد فرزند دارای حق ولایت و سرپرستی می‌داند.
۱۱	قسمت اخیر ماده ۱۶ بند «و» (در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار خواهد بود و طبق قسمت ۲ ماده ۱۶، نامزدی و ازدواج کودک هیچ اثر قانونی ندارد)	طبق تبصره ۱، ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، پدر و جد پدری حق دارند حتی دختر نوزاد خود را به عقد مردی درآورند. بعد از سن بلوغ مخالفت دختر مورد قبول نیست.

ب) در گزارش دیگری که از سوی دفتر مطالعات سیاسی این مرکز تهیه شده است، پیشنهادهای زیر ارائه شده است:<sup>۱</sup>

۱. ابتدا بررسی‌های دقیق و همه جانبه در مورد بن‌بند مواد کنوانسیون صورت گیرد و سپس دربارهٔ موادی که در تعارض اساسی و غیر قابل حل با قوانین هستند اعلام تحفظ شود.
۲. لازم است توجه شود که الحاق بدون ایجاد بسترهای لازم برای تغییر در قوانین، عرف و رویه‌های موجود به مراتب بیش از ملحق نشدن تبعات منفی به همراه خواهد داشت. باید

۱. گزارش کارشناسی دربارهٔ لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، فریبده محمدعلیپور، (۱۴۰۱/۱۱/۱۴)

در این خصوص با راهکارهای از پیش تعیین شده و محتاطانه عمل کرد.

۳. با اولویت‌بندی مسائل مربوط به حقوق زنان، طرح‌ها و لوایحی برای رفع تبعیضات ناروا تنظیم شود تا الحاق به کنوانسیون با به حداقل رساندن تعارضات صورت گیرد.  
(ج) در آخرین گزارشی که از سوی دفتر بررسی‌های حقوقی این مرکز تهیه شده است، پیشنهادهای زیر ارائه شده است:<sup>۱</sup>

اولاً، تصویب کنوانسیون برای مدتی به تأخیر افتد. ثانیاً، در مدت مزبور قوانین و مقررات مغایر با مفاد کنوانسیون استقرأ شوند. ثالثاً، مبانی و مأخذ قوانین و مقررات ملی مغایر با کنوانسیون مورد مطالعه و تحقیق واقع شوند. رابعاً، قوانین ملی مبتنی بر نصوص حتمی‌الصدور قطعی‌الدلالة شرعی از مقررات ملهم از فتاوی فقہی و آرای اجتهادی ممتاز شود. خامساً، مقررات ملهم از فتاوی فقہی و آرای اجتهادی توسط خود فقیهان و مجتهدان مجدداً با ملاحظه مصالح ملی و شرایط دنیای امروز در معرض اجتهاد و بازنگری قرار گیرند. سادساً، قوانین مبتنی بر نصوص قطعی شرعی به طور مشخص با استفاده از حق شرط از شمول مقررات کنوانسیون خارج شوند.

#### ۶. دیدگاه کمیسیون اصلی لوایح هیئت دولت

این کمیسیون در سومین جلسه خود (۱۳۸۰/۸/۲۳) در این رابطه، دلایل توجیهی زیر را برای اتخاذ‌گزینه مورد نظر خود بیان داشته است:

- توجه به لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از شهریور ماه ۱۳۶۰ شمسی (۱۹۸۱ میلادی) و نیز الحاق اکثریت دولت‌های جهان به ویژه کشورهای اسلامی به آن،

- آثار مثبت ناشی از الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مذکور با «برقراری شرط کلی» مشتمل بر:

\* لحاظ ارزش‌های اسلامی و منافع ملی،

\* برقراری نقش فعال و مؤثر برای کشور در مجامع و نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط.

۱ گزارش کارشناسی درباره لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (اسفند ۱۳۸۰)

\* بسترسازی فرهنگی، حقوقی و سیاسی برای بهره‌مندی کشور از ظرفیت‌های مقرر در کنوانسیون در راستای تقویت نقش بانوان مسلمان و تبیین مناسب از وضعیت زنان در اسلام و ایران،

\* جلوگیری یا کاهش پیامدهای منفی، از جمله تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، ناشی از عدم الحاق برای کشور،

\* زمینه‌سازی برای بروز وحدت نظر مراجع ذی صلاح و مؤثر در تصمیم‌گیری مربوط به الحاق دولت به این کنوانسیون،

\* برخورداری کشور از مزایای الحاق به کنوانسیون.

- «ایده الحاق با اعلام شروط جزئی نسبت به مواد کنوانسیون»، علی‌رغم داشتن آثار مثبت، در مقایسه با گزینه مصوب کنوانسیون (الحاق مشروط کلی) دارای هزینه‌های بیشتر و فواید کم‌تر است، از جمله:

\* تعداد مفاد کنوانسیون که می‌باید نسبت به آن تحفظ اعلام کرد بسیار است. این امر، اولاً، امکان بروز اختلاف نظر در فرایند تصمیم‌گیری را بیش‌تر می‌سازد و به آن لطمه وارد می‌کند، ثانیاً، زمینه امکان اعتراض کشورها در مجامع بین‌المللی دیگر را نسبت به شروط و در نتیجه فشار بین‌المللی را افزایش می‌دهد،

\* فراهم ساختن امکان مناسب‌تر برای کشور در خصوص چگونگی انجام مفاد قابل اجرای کنوانسیون.

- غیر قابل قبول بودن ایده «الحاق مطلق کشور به کنوانسیون» به دلایل زیر:

\* مغایرت مفاد قابل توجهی از کنوانسیون از قبیل مواد ۲، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۶ و... با شرع انور،

\* مغایرت مفادی از آن با برخی از اصول قانون اساسی،

\* پیش‌بینی تأثیرات منفی اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی برخی مواد،

\* نبود امکان تصویب در مراجع تصمیم‌گیر،

\* موافق نداشتن ایده مذکور در کشور در سطوح مختلف (در حد نظرات واصل شده و در

دسترس).

در نهایت آن‌که کمیسیون اصلی لوایح گزینه مورد نظر و پیشنهادی خود را به شرح ذیل اعلام کرد که عیناً مورد تصویب هیئت دولت قرار گرفت:

«الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، منوط به برقراری تحفظات و شروط زیر نسبت به کنوانسیون مذکور است

الف) جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون مذکور را در مواردی که با شرع مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد قابل اجرا می‌داند.

ب) جمهوری اسلامی ایران خود را موظف به اجرای بند ۱ ماده ۲۹ این کنوانسیون، در خصوص ارجاع حل و فصل اختلافات از طریق داوری یا ارجاع به دینوان بین‌المللی دادگستری نمی‌داند.»

#### ۷. دیدگاه مربوط به الحاق مشروط به «شرط کلی عدم مغایرت با قوانین داخلی»

صاحب‌نظرانی که طرفدار این ایده هستند مخالفت خود را با قید «به شرط عدم مغایرت با شرع مقدس اسلام» اعلام داشته و معتقدند که قید «به شرط عدم مغایرت با قوانین داخلی»، بهتر اهداف مورد نظر را تأمین می‌کند؛ چرا که تنها بخشی از موازین شرعی در قوانین داخلی تجلی پیدا کرده است و آن هم بیش‌تر بر مبنای قول مشهور فقها است و بر این اساس برخی قوانین قطعاً در آینده اصلاح خواهند شد، از جمله این افراد می‌توان از آیت‌... موسوی بجنوردی نام برد که برخی از نمایندگان مجلس را نیز با خود همراه کرده‌اند.

از سوی دیگر، برخی معتقدند که استناد به قوانین داخلی برای شانه خالی کردن از زیر بار تعهدات بین‌المللی چندان موجه نیست و غیر قابل قبول می‌نماید و در نتیجه اعتراضات عدیده سایر دول عضو کنوانسیون را به دنبال خواهد داشت. این ایراد در خصوص پیشنهاد افرادی نیز وارد است که معتقدند قید به «شرط عدم مغایرت با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» در صورت الحاق مشروط گنجانیده شود که در ردیف شرط یا شروط مبهم، کلی و غیر معین که مغایر هدف و موضوع معاهده نیز است قابل اعتراض خواهد بود.

اکثر کشورهای اسلامی از بین دو گزینه عدم عضویت در کنوانسیون و اعمال حق شرط بر کنوانسیون، گزینه دوم را انتخاب کرده‌اند. آنچه که به صورت اعمال حق شرط کشورهای اسلامی بر کنوانسیون جلوه گر شده است، در واقع، تقابل دو نظام حقوقی و دو نظام عقیدتی متفاوت است. با این تفاوت که در اثر فعالیت حقوقدانان و دولت‌های کشورهای غربی نظام حاکم بر ساختار حقوقی غرب به عنوان اصل شناخته شده و با اعطای امتیاز شرط به نظام‌های دیگر (از جمله کشورهای اسلامی) آن‌ها را ترغیب به مشارکت کرده‌اند. روشن است که در این میان نظام حقوقی کشورهای اسلامی، که ملهم از شرع مقدس اسلام بوده و پشتوانه استدلالی محکم نیز دارد، به سبب فعال نبودن کشورهای اسلامی در مجامع بین‌المللی و موفق عمل نکردن آن کشورها در تبیین و عرضه دیدگاه‌های خود در عرصه جهانی مورد توجه قرار نگرفته است. در این قسمت، تلاش بر این است که به نمونه‌هایی از اشکال مختلف الحاق مشروط کشورهای اسلامی (اعم از اعمال شرط کلی یا شرط موردی و جزئی) اشاره شود:

### ۱. الجزایر

دولت الجزایر شرط‌هایی را بر ماده ۲ کنوانسیون به شرح ذیل اعمال کرده است:

الف) دولت الجزایر مقررات ماده ۲ کنوانسیون را تحت شرایطی اعمال خواهد کرد که این مقررات تعارضی با مقررات قانون خانواده در الجزایر نداشته باشد.

ب) دولت الجزایر بر پاراگراف دوم ماده ۹ اعمال شرط کرده است. مطابق این بند، دول عضو متعهد می‌شوند که به زنان و مردان در مورد تابعیت فرزندانشان حقوق مساوی اعطا کنند.

دولت الجزایر، در توضیح این شرط اعلام داشته است که این بند مغایر با قانون تابعیت و قوانین خانواده الجزایر بوده و دولت ملزم به رعایت آن نیست. به طوری که مطابق قوانین

۱ برگرفته از پژوهش مربوط به بررسی شرط کشورهای مسلمان بر کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، عنی نیس، فور (مرکز مطالعات حقوقی - بین‌المللی و ارباب امور خارجه)

الجزایر فرزند تنها زمانی می تواند تابعیت مادر را اکتساب کند که:

- پدر بچه ناشناخته بوده یا بدون تابعیت باشد،

- بچه از مادر الجزایری و پدر خارجی که در کشور الجزایر متولد شده باشد، در الجزایر

به دنیا بیاید،

- بچه‌ای که از پدر خارجی، که پدر متولد الجزایر نیست، در الجزایر و از مادر الجزایری

متولد شود، به شرطی می تواند تابعیت الجزایر را به دست آورد که وزارت دادگستری مخالف

نباشد. برای توضیح این شرط و تشخیص تعلق فرزندان به پدر به مواد ۴۱ و ۴۳ قانون خانواده

الجزایر استناد شده است. ماده ۴۱ این قانون می گوید:

«بچه‌ای که از طریق ازدواج قانونی به دنیا می آید، متعلق به پدر است.»

و ماده ۴۳ قانون خانواده الجزایر اشعار می دارد:

«بچه‌ای که به فاصله ۱۰ ماه پس از جدایی به دنیا بیاید از آن پدر است.»

ج) الجزایر بر پاراگراف چهارم ماده ۱۵ اعمال شرط کرده است. مطابق این بند «دول عضو

متعهد می شوند که به زنان و مردان حقوقی یکسان در برابر قانون مربوط به تردد افراد و آزادی

انتخاب مسکن و اقامتگاه اعطا کنند» در شرط الجزایر بیان شده است که این ماده نباید چنان

تفسیر شود که با مقررات فصل چهارم (ماده ۳۷) قانون خانواده الجزایر مغایرتی داشته باشد.

البته هیچ اشاره‌ای به محتوای این ماده نشده است.

د) شرط بعدی اعمال شده توسط الجزایر بر ماده ۱۶ کنوانسیون است. در این شرط ذکر

شده است که ماده ۱۶ در مواردی که به حق مساوی زن و مرد در خصوص ازدواج و طلاق

مربوط می شود نباید با قانون خانواده الجزایر مغایرتی داشته باشد.

ه) آخرین شرط الجزایر بر بند «الف» ماده ۲۹ مربوط می شود. دولت الجزایر ارجاع یک

طرفه اختلاف به دادرس و دیوان دادگستری بین المللی را نپذیرفته و معتقد است که هیچ

دعوی در خصوص کنوانسیون بدون رضایت اطراف دعوی قابل ارجاع به داوری یا دیوان

بین المللی دادگستری نخواهد بود.

چنانچه مشاهده می شود، دولت الجزایر در برخی از موارد دلایل شرط خود را بیان داشته

است و در پاره‌ای از موارد دلیل مشخصی ذکر نکرده است. البته در رویه بین المللی نیز

دولت‌ها حق دارند که دلایل شرط را ذکر نکنند. به ویژه در مواردی که دلیل شرط سیاسی است دولت‌ها از اعلام آن صرف‌نظر می‌کنند.

چنانچه مشاهده شد دلیل اصلی شرط‌های الجزایر مغایرت کنوانسیون با قانون خانواده الجزایر عنوان شده است. شرط اعمال شده بر ماده ۲ کلی بوده و از منظر کمیته قابل قبول نیست. همچنین، شرط ماده ۱۶ نیز اولویت را به قوانین داخلی الجزایر داده است ولی ذکری از کیفیت این قوانین به میان نیاورده است. از کشورهایی که به این شرط‌ها اعتراض کرده کشور آلمان است.

این کشور به صراحت اعلام نکرده که رابطه قراردادی با الجزایر را حفظ کرده یا خیر. اگرچه چنانچه گفتیم در چنین مواردی اصل با حفظ رابطه قراردادی است اما آلمان در اعتراض خود به سایر کشورها بر برقراری چنین رابطه‌ای به خصوص با کشورهای عربستان سعودی، مصر، بنگلادش، برزیل، جامائیکا، کره و موریتانی تأکید کرده ولی ذکری از نام الجزایر به میان نیاورده است.

## ۲. بنگلادش

در شرط بنگلادش آمده است:

«جمهوری مردمی بنگلادش خود را ملزم به رعایت مفاد ماده ۲ و نیز پاراگراف الف ماده ۱۳ و بندهای c و f از پاراگراف اول ماده ۱۶، نمی‌داند.»

دلیل این عدم التزام تعارض مواد یاد شده با قوانین شریعت اسلامی که ملهم از قرآن و سنت است، ذکر شده است.

در مقابل شرط‌های فوق‌الذکر برخی از کشورها اعتراض کرده‌اند که به قرار ذیل قابل دسته‌بندی هستند:

کشورهای معترض	موضوع شرط	شرط‌های اعمالی
آلمان مکزیک هلند سوئد	(شرط کلی)	ماده ۲
آلمان - مکزیک هلند - سوئد	حق استفاده از مزایای خانوادگی ماوی	(بند الف ماده ۱۳)
آلمان - مکزیک هلند - سوئد	- حق برابر و مسئولیت یکسان در دوران زناشویی و جدایی - (قیومت، حضانت و سرپرستی فرزندان و به فرزندی گرفتن کودکان)	(بندهای c و f از پاراگراف ماده ۱۶)

دولت آلمان در اعتراضیه خود بیان داشته که شروط بنگلادش مغایر هدف و موضع معاهده است؛ و لذا براساس پاراگراف دوم، ماده ۲۸ کنوانسیون رفع تبعیض از زنان نسبت به این شرط‌ها اعتراض دارد. دولت آلمان در ادامه می‌افزاید که این اعتراض مانع از آن نخواهد بود که بین دو کشور روابط قراردادی براساس کنوانسیون برقرار نباشد؛ لذا مطابق مقررات کنوانسیون معاهدات ۱۹۶۹ وین، رابطه قراردادی دو کشور براساس کنوانسیون در خصوص سایر مقرراتی که بنگلادش بر آن‌ها شرطی وارد نکرده، اعمال خواهد شد. دولت‌های مکزیک و هلند و سوئد نیز و به مانند دولت آلمان، شروط بنگلادش را مغایر با موضوع و هدف کنوانسیون دانسته و بر آن اعتراض کرده‌اند، لکن بر ابقای رابطه قراردادی در مورد سایر مواد کنوانسیون تصریح کرده‌اند. به عبارت دیگر، این کشورها بر نقطه نظر کمیته مبنی بر کلیدی بودن مواد ۲ و ۱۶ تأکید کرده‌اند ولی همچنان خواستار ادامه رابطه قراردادی خود با کشور بنگلادش براساس کنوانسیون شده‌اند.

### ۳. مصر

شرط‌های دولت مصر در هنگام امضا که در هنگام تصویب نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از:

الف) ماده ۲ کنوانسیون (شرط کلی)،

ب) پاراگراف دوم ماده ۹؛ با این توضیح که: اعطای حق کسب تابعیت مادر توسط فرزند نباید به کسب تابعیت پدر از سوی فرزند لطمه‌ای وارد سازد. دلیل این شرط جلوگیری از ایجاد تابعیت مضاعف ذکر شده است و کسب تابعیت پدر برای فرزند را رویه‌ای مناسب و مقبول دانسته است. با این استدلال که زن هنگام ازدواج با مرد خارجی از ابتدا می‌دانسته که فرزندان او تابعیت خارجی را کسب خواهند کرد و آگاهانه ازدواج کرده است.

ج) شرط در خصوص ماده ۱۶؛ برابری زنان و مردان در تمام مسائل مربوط به ازدواج، روابط خانوادگی در دوران ازدواج و در طلاق تا آن جایی خواهد بود که لطمه‌ای به قوانین شریعت اسلامی وارد نشود. این اعلامیه می‌افزاید: در این قوانین برای زنان حقوقی معادل و متناسب با شوهران‌شان برای تضمین توازن عادلانه اعطا شده است. در ادامه نیز توضیحی با این مضمون در خصوص قوانین شریعت اسلامی داده شده است.

«خالی از لطف خواهد بود چنانچه به ماهیت مقدس قواعد و باورهای دینی که اساس روابط مادی در مصر را تشکیل می‌دهند بی‌توجهی کنیم. واقعیت آن است که اساس و جوهره این قواعد بر مبنای تناسب حقوق و وظایف زن و مرد قرار داشته و برای تضمین و نیل به تساوی بنا شده‌اند. مطابق قوانین شریعت اسلامی شوهر باید به همسر خود نفقه بپردازد و هنگام طلاق نیز مجدداً پولی به او بدهد؛ از سوی دیگر، زن تمام حقوق خود را بر اموال و دارایی‌هایش حفظ می‌کند. شریعت اسلامی حق زن برای طلاق را به رأی قاضی محدود کرده در حالی که چنین محدودیتی برای شوهر در نظر گرفته نشده است.»

د) دولت مصر به رزرو موجود در ماده ۲۹ در خصوص حق یک دولت به عدم التزام به پاراگراف ۱ ماده ۲۹ در خصوص ارجاع یک جانبه اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون به داوری یا هر مرجع دیگر، پای بند است.

در هنگام تصویب، مجدداً دولت مصر شرطی کلی بر ماده ۲ به شرح ذیل اعمال کرد: «دولت مصر مفاد ماده ۲ کنوانسیون را تا جایی که این قوانین با شریعت اسلامی در تضاد نباشد، اجرا خواهد کرد.»

به مانند مورد قبلی (بنگلادش) کشورهای مکزیک، آلمان، هلند و سوئد به شروط مصر

اعتراض کرده و آن را مغایر با هدف و موضوع معاهده اعلام کردند؛ لکن به برقراری روابط قراردادی نسبت به سایر مواد کنوانسیون موافقت نمودند. شروط دولت مصر را می‌توان در جدول ذیل خلاصه کرد:

کشورهای معترض	موضوع شرط	شرط‌های اعمالی
آلمان- هلند سوئد	شرط کلی: اجرای ماده ۲ به شرط عدم مغایرت با قوانین شریعت اسلامی	ماده ۲
آلمان- هلند مکزیک- سوئد	اعطای حق مساوی به زن در خصوص تابعیت فرزندان	ماده ۹ پاراگراف ۲
آلمان- هلند مکزیک- سوئد	شرط کلی: اجرای ماده ۱۶ به شرط عدم مغایرت با قوانین شریعت اسلامی	ماده ۱۶
	قبول پاراگراف ۱ ماده ۲۹ در خصوص عدم ارجاع یک جانبه دعاوی به دیوان دادگستری بین‌المللی یا داوری	ماده ۲۹

#### ۴. اندونزی

شرط اندونزی بر کنوانسیون تنها اختصاص به پاراگراف اول ماده ۲۹ دارد. چنین حقی توسط پاراگراف دوم همین ماده به رسمیت شناخته شده است. دولت اندونزی در توجیه شرط خود اعلام داشته است:

«ارجاع دعاوی به داوری یا دیوان دادگستری بین‌المللی تنها با توافق طرفین دعوا امکان‌پذیر خواهد بود». بنابراین، دولت اندونزی مفاد کنوانسیون را به طور کامل پذیرفته است و به شریعت اسلامی و مقررات آن توجهی نداشته است.

#### ۵. عراق

شرط‌های عراق بر کنوانسیون رفع تبعیض از زنان دو بند دارد. در بند اول عراق اعلام داشته که «تصویب و الحاق به این کنوانسیون به معنای التزام به مقررات بندهای F و G از ماده ۲ و

بندهای ۱ و ۲ از ماده ۹ و مقررات ماده ۱۶ نیست. همچنین عراق به پاراگراف اول از ماده ۲۹ اعلام شرط کرده است.

در بند دوم، عراق اعلام داشته است که تصویب این کنوانسیون به معنای شناسایی یا برقراری رابطه با اسرائیل نیست.

کشورهای سوئد، هلند، مکزیک و آلمان نسبت به شرط عراق بر مواد کنوانسیون اعتراض کردند. به عنوان نمونه دولت سوئد در اعتراض خود که نسبت به کشورهای مختلف از جمله عراق اعلام داشته است ذکر می‌کند که:

«نتیجه‌ای که شرط‌های وارده بر کنوانسیون بر جای می‌گذارد، تبعیض بر زنان بر پایه جنسیت است که با ماهیت کنوانسیون مغایرت دارد. اصل برابری و تساوی زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنسیت از اهداف سازمان ملل متحد بوده و در اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. دولت سوئد معتقد است که شرط‌های غیر قابل پذیرش موجب می‌شود که تعهدات قراردادی دولت‌ها بی‌مفهوم شود و این لاجرم به تضعیف پایه‌های حقوق بین‌الملل قراردادی می‌انجامد و بدین وسیله از کشورها می‌خواهد که در صورت عضویت به کنوانسیون به هدف کنوانسیون احترام بگذارند.»

هلند و آلمان نیز در مورد اعتراض‌های خود نکات مشابهی را یادآور شده‌اند. البته سوئد به ابقا یا قطع رابطه قراردادی در اثر اعتراض اشاره‌ای نکرده است اما چنانچه گفتیم در این خصوص اصل بر ابقای رابطه قراردادی در خصوص سایر مواد کنوانسیون است شرط‌های عراق بر کنوانسیون را می‌توان در جدول ذیل می‌توان چنین خلاصه کرد:

کشورهای معترض	موضوع شرط	شرط‌های اعمالی
آلمان-مکزیک هلند-سوئد	اتخاذ تدابیر لازم، وضع قوانین برای اصلاح یا فسخ مقررات، عرف‌ها و روش‌هایی که نسبت به زنان تبعیض‌آمیزند فسخ کلیه مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان می‌شود	ماده ۲ پاراگراف a و g
سوئد	حقوق مساوی در تغییر یا حفظ تابعیت - عدم تحمیل تابعیت شوهر خارجی هنگام ازدواج	ماده ۹ پاراگراف ۱
آلمان-اسرائیل مکزیک-هلند سوئد	اعضای حق مساوی به زن در خصوص تابعیت فرزندان	پاراگراف ۱ و ۲ ماده ۹
آلمان-مکزیک هلند-سوئد	شرط کلی	پاراگراف ۱۶
سوئد	عدم ارجاع اختلاف به داوری یا دیوان دادگستری بین‌المللی به طریق یک جانبه	ماده ۲۹ پاراگراف ۱

## ۶. اردن

اردن نیز در اعلامیه خود موارد ذیل را به عنوان شرط برمی شمارد:

۱. پاراگراف دوم ماده ۹ (تابعیت فرزندان).
  ۲. پاراگراف چهارم ماده ۱۵ (اقامتگاه زن، اقامتگاه شوهر است).
  ۳. پاراگراف ۱ بند C از ماده ۱۶ در خصوص حقوق ناشی در هنگام طلاق در مورد جبران خسارت و دادن نفقه.
  ۴. پاراگراف ۱ بندهای d و g و C، از ماده ۱۶.
  ۵. بند ۱، ماده ۲۹.
- شرط‌های اردن را می‌توان در جدول ذیل خلاصه کرد:

کشورهای معترض	موضوع شرط	شرط‌های اصلی
سوئد	اعطای حق مساوی به زن در خصوص تابعیت فرزندان	ماده ۹ پاراگراف ۲
سوئد	دارا بودن آزادی در انتخاب مسکن، اقامتگاه و آزادی تردد	ماده ۱۵ پاراگراف ۴
سوئد	حقوق و مسئولیت‌های یکسان در طی دوران زناشویی و به هنگام جدایی مسئولیت یکسان به عنوان والدین حق انتخاب نام و نام خانوادگی، شغل و حرفه	ماده ۱۶ بند C بند d بند g
سوئد	ارجاع اختلاف به داوری یا دیوان دادگستری بین‌المللی به طریق یک جانبه	بند ۱ ماده ۲۹

در خصوص محتوای اعتراض‌های دولت سوئد، چنانچه پیشتر نیز ذکر شد، این کشور شرط‌های فوق‌الذکر را مغایر با موضوع و هدف معاهده می‌داند.

#### ۷. کویت

دولت کویت شرط‌های ذیل را اعمال کرده است:

الف) پاراگراف الف از ماده ۷، با این توضیح که:

«مفاد این ماده با مقررات و قوانین انتخاباتی کویت که در آن انتخابات فقط به مردان محدود شده است، تعارض دارد».

ب) بند ۲ از ماده ۹ در خصوص تابعیت فرزندان که تابعیت پدر خواهد بود.

ج) بند ۴ از ماده ۱۶ در خصوص حضانت، قیمومیت و سرپرستی کودکان با این استدلال که با شریعت اسلامی در تعارض است.

د) بند اول از ماده ۲۹ در خصوص عدم ارجاع یک جانبه اختلاف به داوری یا دیوان دادگستری بین‌المللی.

به غیر از شرط کوییت در خصوص انتخابات، سایر شرط‌ها در واقع همان‌هایی هستند که سایر کشورهای اسلامی نیز کمابیش اعمال کرده‌اند. از جمله کشورهای که به این شرط کوییت اعتراض کرده است فنلاند است. در اعتراضیه فنلاند می‌خوانیم:

«با الحاق به کنوانسیون، کشور ملحق شونده متعهد می‌شود که اقدامات لازم برای رفع تبعیض از زنان را اتخاذ کند. به طور مشخص ماده ۷ کنوانسیون رفع تبعیض از دولت‌های عضو می‌خواهد که هرگونه تبعیض علیه زنان را در عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی رفع کنند. از نظر فنلاند این ماده از مواد محوری و اساسی کنوانسیون بوده و اجرای آن برای تحقق هدف و موضوع معاهده ضروری است.»

دولت فنلاند اضافه کرده که صرف نظر کردن از مقررات ماده ۹ نیز به بهانه توسل به قوانین داخلی پذیرفته نیست. اعمال شرط کوییت بر ماده ۱۶ از نظر فنلاند پذیرفته نیست و شک و تردیدهای جدی در خصوص عدم التزام این کشور به کل کنوانسیون را تداعی می‌کند و تضعیف‌کننده پایه معاهدات حقوق بشری است. در پایان، دولت فنلاند نتیجه می‌گیرد که این شرط مغایر با موضوع و هدف معاهده بوده و مطابق بند ۲ ماده ۲۸ قابل قبول نبوده و فنلاند به آن‌ها معترض است و به آن‌ها اثر حقوقی قایل نیست. همچنین دولت فنلاند از دولت کوییت خواسته است که در شرط‌های وارد بر کنوانسیون تجدیدنظر کند.

همانند فنلاند، هلند نیز به شرط‌های اعمالی توسط کوییت اعتراض کرده و آن را مغایر با هدف و موضوع معاهده بر شمرده است.

## ۸ لبنان

به مانند موارد فوق‌الذکر شرط‌های لبنان را نیز می‌توان در جدول ذیل خلاصه کرد:

موضوع شرط	شرط‌های اعمالی
اعطای حق مساوی به زنان در مورد تابعیت فرزندان‌شان	ماده ۹ پاراگراف ۲
اعطای حقوق و مسئولیت‌های یکسان در طی دوران زناشویی و جدایی اعطای حقوق و مسئولیت‌های یکسان به عنوان والدین حقوق و مسئولیت یکسان در مورد قیمومیت، حضانت، سرپرستی و به فرزند گرفتن کودکان	ماده ۱۶ بند ۱ پاراگراف C پاراگراف d پاراگراف f
حقوق فردی یکسان، حق انتخاب نام خانوادگی، شغل و حرفه	پاراگراف g
ارجاع یک جانبه، موضوع به دیوان دادگستری بین‌المللی یا داوری	ماده ۲۹ بند ۱

ملاحظه می‌شود که شرط‌های اعمال شده توسط لبنان نیز کما بیش شبیه به سایر کشورهای مسلمان است و لذا اعتراض‌های مشابهی نیز از سوی کشورهای غربی داشته است.

## ۹. لیبی

شرط‌هایی که لیبی بر کنوانسیون اعمال کرده است به قرار ذیل‌اند:

الف) ماده ۲ کنوانسیون: لیبی اعلام کرده است که:

ماده ۲ کنوانسیون باید در پرتو قواعد امره شریعت اسلامی در خصوص تعیین سهم الارث اموال افراد متوفی چه زن و مرد، به اجرا درآید.

ب) اجرای پاراگراف‌های C و d از ماده ۱۶ کنوانسیون نباید به حقوق زنان که توسط قوانین اسلامی تضمین شده است لطمه‌ای وارد کند.

نسبت به شرط کشور لیبی نیز اعتراض‌هایی صورت گرفته است. کشورهای دانمارک، فنلاند، آلمان، مکزیک، هلند، نروژ و سوئد به این شرط‌ها اعتراض کردند. به‌عنوان نمونه

دانمارک اعلام داشت که براساس اصول تفسیر معاهدات، یک دولت نمی‌تواند به مقررات داخلی خود به‌عنوان توجیهی بر عدم اجرای کنوانسیون استناد کند. فنلاند نیز شرط وارده توسط لیبی را مغایر بر هدف و موضوع معاهده دانست.

#### ۱۰. مالزی

مالزی نیز پذیرش کنوانسیون را به شرط عدم تعارض با قانون اساسی و شریعت اسلامی منوط کرده است و به‌طور مشخصی مواد ۱۶ و ۹ و بند «ب» ماده ۷ و بند «الف» ماده ۵ و بند ۴ ماده ۲ را نام برده است. همچنین، ذکر شده که درخصوص ماده ۱۱، مالزی مقررات این ماده را فقط بر مبنای ممنوعیت تبعیض بر پایه برابری زن و مرد تفسیر می‌کند. فنلاند از جمله کشورهایی است که به شرط تعارض با قانون اساسی و شریعت اسلامی اعتراض کرده است و آن را نامشخص دانسته است و شرط مالزی بر سایر مواد کنوانسیون را مغایر با موضوع و هدف معاهده دانسته است. از کشورهای معترض دیگر به شرط مالزی می‌توان به آلمان و هلند اشاره کرد. شروط مالزی را می‌توان در جدول ذیل خلاصه کرد:

موضوع شرط	شرهای اعمالی
شرط کلی	ماده ۱۶
شرط کلی (تابعیت)	ماده ۹
مشارکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آن و انتصاب به سمت‌های دولتی و انجام کلیه مسئولیت‌های دولتی در تمام سطوح دولت	ماده ۷ بند ۲
تعديل الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتاری مردان و زنان	ماده ۵ بند «الف»
اتخاذ تدابیر لازم به منظور فسخ یا اصلاح عرف‌ها و روش‌های موجود که تبعیض آمیزند	ماده ۲ بند «۴»

مقایسه شرط‌های مالزی با شروط کشورهای مسلمان نیز نشانگر نقاط مشترکی است که کمابیش دول مسلمان بر آن‌ها اعمال شرط کرده‌اند. در ۶ فوریه، ۱۹۹۸ دولت مالزی به دبیر کل اطلاع داد که مفاد شرط خود را تعدیل کرده است. دولت مالزی اعلام کرد که منظور از بند «الف» ماده ۵، قوانین شریعت اسلامی در خصوص تقسیم اموال موروثی است. در خصوص بند «ب» ماده ۷ دولت مالزی توضیح داد که اعمال این ماده انتصاب مشاغل عمومی نظیر مفتی و امام را که براساس قوانین اسلامی خواهد بود، متأثر نخواهد ساخت.

دولت مالزی در خصوص پاراگراف دوم ماده ۱۹ اعلام داشت که این ماده را پس از اصلاح قوانین ملی، مورد بازبینی قرار خواهد داد. در خصوص پاراگراف‌های ۱ و ۲ ماده ۱۶ مالزی اعلام داشت که محدودیت سنی برای ازدواج زنان ۱۶ سال و برای مردان ۱۸ سال است. دبیر کل شروط تعدیل شده مالزی را به اطلاع دول اطراف معاهده رسانید. در این خصوص، دول فرانسه و هلند مجدداً اعتراض‌هایی به قرار ذیل انشا کردند:

فرانسه این شروط را مغایر با موضوع و هدف معاهده دانست ولی تصریح کرد که این اعتراض مانعی در مقابل لازم‌الاجرا شدن معاهده بین دو کشور نخواهد داشت. هلند نیز فرض می‌کند که مالزی با تعدیل قوانین ملی خود اجرای تعهدات کنوانسیون را تضمین کند. هلند نیز بر برقراری رابطه قراردادی بین دو کشور تصریح می‌کند.

## ۱۱. مالدیو

مالدیو شرطی کلی بر کنوانسیون به قرار ذیل اعمال کرده است:

دولت مالدیو مقررات کنوانسیون را رعایت خواهد کرد بجز در مواردی که آن‌ها را در تعارض با اصول شریعت اسلامی تشخیص دهد. همچنین، اصولی از کنوانسیون که با قانون اساسی مالدیو در تعارض باشند الزامی بر دولت بار نمی‌کنند. دولت‌هایی نظیر کانادا، فنلاند، آلمان، نروژ، پرتغال با استناد به این که این شروط مغایر با هدف و موضوع معاهده هستند به این شروط اعتراض کرده‌اند.

## ۱۲. مراکش

دولت مراکش هم اقدام به صدور بیانیه و هم انشای شرط کرده است. در بیانیهٔ مراکش آمده است که مادهٔ ۲ به نحوی اجرا خواهد شد که لطمه‌ای به مقررات قانون اساسی در خصوص جانشینی ولیعهد وارد نسازد و با مقررات شریعت اسلامی تعارض نداشته باشد. همچنین، بیانیه در خصوص پاراگراف ۴ ماده ۱۵ اشعار می‌دارد که حق انتخاب مسکن نباید با مواد ۳۴ و ۳۶ قانون احوال شخصیهٔ مراکش مغایرتی داشته باشد. از آن جایی که این بیانیه دامنهٔ تعهداتی مراکش را محدود کرده است در ردیف شرط قرار می‌گیرد.

مراکش، در شرط خود به مانند بسیاری از کشورهای اسلامی بر بند ۲ ماده ۹ اعمال شرط کرده است. همچنین، در خصوص ماده ۱۶ و بخش حقوق و مسئولیت‌های مساوی در دوران ازدواج و طلاق شرط وارد شده است و، سرانجام به مانند بسیاری از کشورهای اسلامی دولت مراکش نیز به پاراگراف اول ماده ۲۹ در خصوص ارجاع یک جانبهٔ دعوی ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون به داوری یا دیوان دادگستری بین‌المللی اعلام شرط کرده است. هلند از جمله کشورهایایی است که به شرط‌های مراکش اعتراض کرده است.

## ۱۳. پاکستان

دولت پاکستان نیز به صدور یک بیانیه و یک شرط اکتفا کرده است. دولت پاکستان، در بیانیه‌ای که صادر کرده است عنوان کرده که الحاق پاکستان به کنوانسیون یاد شده به شرط

انطباق با مقررات و مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان خواهد بود. کشور اتریش به این بیانیه اعتراض کرده است و آن را در ردیف یک شرط کلی و غیر معین که مغایر با هدف و موضوع معاهده است به حساب آورده است. پرتغال نیز ضمن تأکید بر ویژگی‌های فوق‌الذکر، چنین شرطی را تضعیف‌کننده پایه‌های حقوق بین‌الملل دانسته و به آن اعتراض کرده است. بنابراین، بیانیه پاکستان را نیز باید در ردیف شرط قرارداد، زیرا عملاً تمام موارد مغایر با قانون اساسی را مستثنی کرده و دامنه تعهدات پاکستان را محدود کرده است. پاکستان در شرط خود به مانند بسیاری از کشورهای مسلمان، ارجاع یک طرفه دعوی ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون را به داوری یا دیوان دادگستری بین‌المللی نپذیرفته و بر آن اعمال شرط کرده است.

#### ۱۴. عربستان سعودی

شروط عربستان نیز بر کنوانسیون، شروطی کلی به حساب می‌آیند. عربستان اعلام کرده است که: «در مواقعی که بین مفاد این کنوانسیون با هنجارهای حقوق اسلامی تعارضی به وجود آید دولت پادشاهی عربستان ملزم به رعایت مفاد این کنوانسیون نخواهد بود. همچنین، دولت عربستان خود را ملزم به رعایت مفاد پاراگراف ۲ ماده ۹ و پاراگراف ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون نمی‌داند». دولت‌هایی نظیر آلمان و اسپانیا، بر شروط عربستان اعتراض کرده‌اند.

#### ۱۵. تونس

کشور تونس نیز یک شرط کلی و ۴ شرط موردی و یک بیانیه درخصوص کنوانسیون صادر کرده است. در شرط کلی تونس آمده است:

«دولت تونس اعلام می‌دارد که در همراهی با الزامات کنوانسیون هیچ تصمیمی درخصوص قانونگذاری یا ایجاد نهاد، چنانچه چنین تصمیمی با مواد فصل اول، قانون اساسی تونس تعارض داشته باشد اتخاذ نخواهد کرد. همچنین، سایر شرط‌های تونس عبارت‌اند از:

الف) بند ۲ ماده ۹ (فصل هفتم قانون خانواده تونس مقدم است).

ب) تونس ملزم به رعایت بندهای c و d و f ماده ۱۶ نیست.

ج) بندهای g و h نباید با مقررات قانون حقوق خصوصی تونس در خصوص اعطای نام خانوادگی به فرزندان و ارث اموال متوفی تعارض داشته باشد.

د) پاراگراف ۱ ماده ۲۹ و ارجاع یک جانبه اختلاف در تفسیر یا اجرای کنوانسیون به داوری یا دیوان دادگستری بین‌المللی در بیانیه یا اعلامیه تفسیری تونس نیز آمده است که بند ۴ ماده ۱۵ در خصوص حق انتخاب اقامتگاه و آزادی تردد نباید طوری تفسیر شود که با مقررات قانون خصوصی تونس که در فصل‌های ۲۳ تا ۶۱ این قانون آمده است تعارض داشته باشد.

شرط‌های کشور تونس و کشورهای معترض به آن‌ها را می‌توان در جدول ذیل خلاصه کرد:

کشورهای معترض	موضوع شرط	شرط‌های اعمالی
آلمان-هلند سوئد	اعطای حق مساوی در مورد تابعیت فرزندان	ماده ۹ پاراگراف ۲
آلمان-هلند سوئد	آزادی انتخاب مسکن و اقامتگاه و تردد	ماده ۱۵ پاراگراف ۴
آلمان-سوئد هلند	حقوق و مسئولیت‌های یکسان در طول دوران زناشویی و جدایی حقوق و مسئولیت‌های یکسان به عنوان والدین	ماده ۱۶ بند ۱ پاراگراف c پاراگراف d
سوئد-آلمان هلند	حقوق و مسئولیت‌های یکسان در مورد قیمومیت، حضانت، سرپرستی و به فرزندی گرفتن کودکان	پاراگراف f
هلند-سوئد آلمان	حقوق فردی یکسان به عنوان شوهر و زن مانند انتخاب شغل و نام خانوادگی	پاراگراف g
هلند-سوئد آلمان	حقوق یکسان نسبت به مالکیت، حق اکتساب، مدیریت، سرپرستی بهره‌مندی و انتقال ملک	پاراگراف h
	ارجاع دعاوی ناشی از تفسیر و اجرا به داوری یادیوان دادگستری بین‌المللی	پاراگراف ۱ ماده ۲۹

توضیح: با توجه به نظریه‌هایی که در صفحات ۱۰-۱۵ و ۲۶ در مورد قانون اعزام دانشجویان به خارج از کشور (مصوب ۱۳۶۴) در مغایرت با ماده ۱۰ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان آمده است، اعلام شود ماده ۳ این قانون در مجلس شورای اسلامی اصلاح و به تصویب رسیده است. (روزنامه رسمی ۱۶۳۴۲ - ۱۳۸۰/۱/۲۱).